گفت‌وگو

صنایع لبنی در ورطه زیان‌دهی

دعا می‌کنیم روند معکوس شود و قیمت‌ها کاهش یابد

■ قانون: صنایع لبنی ایران مدتی است درگیر مشکلات بزرگ و کوچکی شده‌اند که منجر به برگزاری سه تجمع اعتراضی در طول یک ماه شده است. قرار بود در قالب هدفمندی یارانه‌ها، یارانه شیر و محصولات لبنی نیز هدفمند شوند و هر چند در ابتدا صحبت‌هایی دال بر پرداخت یارانه مستقیم شیر به مصرف‌کنندگان مانند آن چه در مورد نان اتفاق افتاد، بود اما بعدها اعلام شد یارانه شیر به تولیدکننده یا به عبارت دیگر دامدار تعلق خواهد گرفت. درباره وضعیت فعلی صنایع لبنی و مشکلات پیش روی این صنعت گفت‌وگویی مفصل با رضا باکری، دبیر انجمن صنفی صنایع لبنی ایران انجام داده‌ایم که مشروح آن در پی می‌آید:

■■■

فعالان صنایع لبنی این روزها بیش از همیشه دست به اعتراض می‌زنند و گفته می‌شود تحت تاثیر بحران فعلی تولیدات صنایع لبنی کاهشی در حدود ۴۰ الی ۵۰درصد را تجربه کرده است. برای حل این وضعیت بحرانی چه کرده‌اید؟

قبل از جواب به این سوال باید بگویم که صنعت لبنیات شامل دو بخش است. یک بخش را شرکت‌های بزرگ تشکیل می‌دهند که ۸۰درصد سهم بازار کشور را در اختیار دارند. این شرکت‌ها که شمارشان به حدود ۹۵ تا ۹۶ کارخانه می‌رسد در سطح کشور فعالیت دارند و محدوده فعالیت‌شان فرا استانی است. این کاهش تولیدی که شما اشاره کردید در واحدهای بزرگ رخ نداده است اما بخشی از صنایع لبنی را شرکت‌های کوچک تشکیل می‌دهند. تعداد این شرکت‌ها به حدود ۵۰۰ شرکت می‌رسد. حدود ۵۰ تا ۶۰درصد و در برخی موارد تا ۸۰درصد فعالیت این شرکت‌های کوچک روی شیر یارانه‌ای متمرکز بود. یعنی این شرکت‌ها بین ۲۰ تا ۴۰درصد فعالیت‌های‌شان را تولید محصولاتی جز شیر یارانه‌ای تشکیل می‌داد و طبیعی است در وضعیت فعلی با بحران روبه‌رو باشند. وقتی توزیع شیر یارانه‌ای قطع شده است تولیدکنندگان آن هم طبیعتا از بازار خارج شده‌اند و باید جایگزینی برای آن بیندیشند. از ۱۵ تیرماه سال‌جاری عملا پرونده شیر یارانه‌ای بسته شده است و شرکت‌های کوچک نیز درگیر بحران‌های بزرگ هستند.

یعنی شرکت‌های بزرگ تولیدکننده صنایع لبنی فعلا درگیر مشکل و بحران نیستند؟

منظور من این نیست. منظورم از این توضیح این بود که شرکت‌های بزرگ کاهش تولیدی نداشته‌اند اما با مشکل روبه‌رو هستند.

آیا با افزایش قیمت محصولات لبنی مشکلات شما رفع می‌شود؟

تا حدی این مشکلات برطرف خواهد شد.

فعالان صنعت لبنی در حالی اعلام کرده‌اند بعد از ماه مبارک رمضان قیمت محصولات لبنی افزایش خواهد یافت که پیش از این نیز ما با افزایش قیمت این محصولات روبه‌رو بودیم. دو بار افزایش پیاپی قیمت در کمتر از شش ماه طبیعی است؟

بله. قبل از آغاز ماه مبارک رمضان در چهارم تیرماه سال ۱۳۹۰ تفاهم‌نامه‌ای بین کارخانه‌های لبنی و اتحادیه دامداران به امضا رسید و توافق شد از آن تاریخ قیمت شیر خام ۵۲۰ تومان شود. قیمت شیر در سال ۱۳۸۹ برابر با ۴۵۰ تومان بود. به این ترتیب ملاحظه می‌کنید قیمت شیر خام حدود ۱۵/۵درصد افزایش یافته است. ۷۰درصد قیمت تمام شده محصولات لبنی را نیز شیر خام تشکیل می‌دهد. وقتی قیمت تمام شده بالا می‌رود ما هم مجبوریم قیمت‌ها را بالا ببریم. حتی قرار بود این افزایش قیمت قبل از ماه مبارک رمضان رخ دهد اما واحدهای تولیدی گفتند با توجه به اینکه مردم در این ماه محصولات لبنی را بیشتر مصرف می‌کنند بهتر است که قیمت‌ها بعد از این ماه افزایش یابد.

قبل از این افزایش قیمت هم ما شاهد رشد قیمت محصولات لبنی بودیم.

به هر حال تمام اقلام تشکیل‌دهنده در چند ماه اخیر با رشد قیمت مواجه بودند. ما با رشد بین ۲۵ تا ۳۵درصدی قیمت‌ها روبه‌رو بودیم.

این افزایش قیمت‌ها سبب نمی‌شود مصرف محصولات لبنی کاهش یابد؟

ببینید رشد قیمت مواد اولیه کارخانه‌ها را به حاشیه زیان‌دهی برده بود. اصلا ما سال‌هاست که با حاشیه سود پایینی روبه‌رو هستیم. از سال ۱۳۸۴ به این طرف که طرح تثبیت قیمت‌ها اجرا شد ما با سود حدود۲/۳درصدی روبه‌رو بودیم. با رشد هزینه بسته‌بندی و قیمت حامل‌های انرژی و... ما به ورطه زیان‌دهی افتادیم. پس توافق کردیم قیمت‌ها رشدی پلکانی را تجربه کنند تا از زیان‌دهی خارج شویم. ما بین کاهش مصرف محصولات لبنی و تعطیلی واحدها گزینه اول را انتخاب کردیم به هر حال باید با تدابیری خود را سر پا نگه می‌داشتیم.

این افزایش قیمت، آخرین افزایش قیمت در سال‌جاری خواهد بود؟

قول نمی‌دهم. ما فعلا رشد قیمت برای شش ماهه دوم در برنامه نداریم اما نمی‌توانم در این خصوص قول بدهم. اگر در سایر بخش‌ها تغییر و تحولی رخ ندهد و قیمت حامل‌های انرژی و برق و... افزایش نیابد و شیر خام نیز مجددا گران نشود، ما هم قیمت محصولات‌مان را افزایش نمی‌دهیم. باور کنید ما هم از خدا می‌خواهیم مجبور به رشد قیمت‌ها نشویم. ما هم دعا می‌کنیم روند فعلی معکوس شود و قیمت‌ها به جای افزایش، کاهش یابد.

بازخوانی نابرابری (۳)؛ گفت‌وگو با یحیی آل‌اسحاق

سیاست‌زدگی اقتصاد فقر را گسترش داد

رضا غیبی

آنچه از گفت‌وگو با کارشناسان و دولتمردان دیروزی می‌توان فهمید، عدم توجه دولت‌ها به فقرزدایی و ناتوانی در اجرای برنامه‌های نظام‌مند در این راستاست. در ادامه این گفت‌وگوها وزیر بازرگانی دولت سازندگی باب دیگری از چرایی گسترش فقر در جامعه را باز می‌کند. وی معتقد است در سه دهه، سیاست‌زدگی اقتصاد موجب گسترش فقر در جامعه شده است. بی‌شک نکته‌ای که یحیی آل‌اسحاق، رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران به آن اشاره می‌کند، مهم‌ترین عامل عقب ماندگی و عدم توسعه اقتصاد کشور است. وی معتقد است دولت‌ها در تحقق شعار فقر زدایی انقلاب نمره قبولی نگرفته‌اند و به واسطه نگرش سیاسی دولتمردان فقر گسترش یافته است. آل‌اسحاق تداوم روند فعلی را موجب تشدید فقر در جامعه می‌داند و معتقد است باید اعتدال در مقوله سیاست و اقتصاد برقرار باشد. آنچه در پی می‌خوانید، حاصل گفت‌وگوی ما با وزیر بازرگانی دولت اصلاحات است.

برخی از کارشناسان معتقدند پس از وقایع سال ۵۷ دولت‌ها برخلاف تاکید و فرمایشات رهبر انقلاب مبنی بر توجه به مستضعفان و حرکت در مسیر فقرزدایی گام مهمی در این راستا برنداشته‌اند. نظر شما در رابطه با تحلیل این گروه از کارشناسان چیست؟

وجود فقر اقتصادی در جامعه مساله‌ای انکارناپذیر است و این پدیده تلخ محصول عملکرد اقتصادی سه دهه اخیر است. به‌طوری‌که نمی‌توان دولتی را از آن مبری کرد یا دولتی را متهم، یعنی همه دولت‌ها به نوبه خود سهمی در عمیق‌تر شدن شکاف بین فقرا و اغنیا داشته‌اند.

دولت‌های سه دهه اخیر همواره بر فقرزدایی و عدالت‌محوری تاکید داشته‌اند. به نظر شما چه عاملی موجب شد تا با وجود اراده قوی برای مقابله با این پدیده، شاهد گسترش روزافزون آن باشیم؟

برای پاسخ به این سوال باید فقر را ریشه‌یابی کنیم. واقعیت این است که وقتی واژه فقر را بیان می‌کنیم، باید برداشت همگن از این لغت داشته باشیم. امروزه فقر یعنی کمبود، نارسایی و عدم بهره‌گیری انسان از حداقل‌های زندگی که می‌تواند بسیار مخرب و آسیب زننده باشد. فقر در تمامی حوزه‌ها از جمله اقتصاد، فرهنگ، اخلاق، دانش، مدیریت و منابع طبیعی نمود پیدا می‌کند. شاخص‌ترین نوع فقر، فقر مالی است که برآیندی از فقر در حوزه‌های دیگر است. یکی از ریشه‌های فقر نوع بینش به حوزه اقتصاد است. به این معنی که آیا اقتصاد نزد دولتمردان اولویت اول است یا در سایه سایر حوزه‌ها قرار دارد. در کشور ما اقتصاد همواره در سایه سیاست بوده است. پس می‌توانیم بگوییم مهم‌ترین عامل گسترش فقر در سه دهه اخیر، نبود ذهنیت متعادل و سیاست‌زدگی در حوزه اقتصاد است.

نقش مردم و سایر موارد تاثیرگذار بر فقر در توسعه روزافزون آن در جامعه چه بوده است؟

همان‌طور که گفته شد، فقر اقتصادی برآیندی از فقر فرهنگی، دانش، منابع طبیعی و سایر موارد است اما به نظر من هیچ‌کدام از این عوامل در گسترش فقر نقشی نداشته‌اند. کشور ما از نظر منابع طبیعی در شرایط بسیار خوبی قرار دارد و جزو شاخص‌ترین کشورهای دنیا در این زمینه است. از نظر جغرافیایی و موقعیت استراتژیک هم در منطقه حرف اول را می‌زنیم. دارای دینی کامل هستیم که به تلاش، کوشش و آرمان‌خواهی تاکید کرده و این نکته را یادآوری می‌کند که فقر موجب کفر در جامعه می‌شود. از نظر تاریخی هم چندین هزار سال در جهان خودنمایی کرده‌ایم. پس می‌توان گفت عوامل بیرونی در فقر موجود نقشی نداشته و چرایی پایین‌تر از حد متوسط بودن درآمد سرانه و تورم بالا را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد.

پس به نظر شما دلیل به وجود آمدن این شرایط نبود روحیه اعتدال نزد دولتمردان بوده است؟

قطعا همین‌طور است. توجه داشته باشید که روحیه اعتدال همان عدالت است و جایی که عدالت نباشد فقر بی‌داد می‌کند. در حال حاضر نوع اشتغال، سطح رفاه مردم در کنار دسته‌بندی و طبقه‌بندی مردم به صورت دهک‌های دهگانه و تاکید دولت بر توجه ویژه به دهک‌های یک تا پنج نشان‌دهنده وجود فقر عمیق است. به طور کلی می‌توان گفت در تمامی شاخص‌های اقتصادی از متوسط جهانی پایین‌تر هستیم که این مهم نشان‌دهنده وجود فقر در جامعه است.

اما عدالت یکی از شعارهای حاکمیت طی سه دهه اخیر بوده و دولت‌ها اقدامات خود را در راستای تحقق این مهم دانسته‌اند.

برای عدالت‌محور بودن دولت‌ها باید ببینیم تا چه حد بینش اقتصادی داشته‌اند و اقتصاد برای آنها مهم بوده است. دولتی می‌تواند ادعای موفقیت داشته باشد که موضوع اقتصاد را به طور کامل حل کرده باشد. عدالت‌محور بودن دولت یعنی اینکه بخش فقیر جامعه را به بالای خط فقر سوق داده و حداقل‌های زندگی را برای آنها فراهم کند. باید توجه داشته باشیم توزیع عادلانه فقر در جامعه و عادت دادن مردم به زندگی در شرایط سخت عدالت نیست.

فارغ از تاثیرگذاری عدم برقراری عدالت و نوع بینش دولتمردان، نظام تدبیر و تصمیم‌سازی در سال‌های بعد از ۱۳۵۷ تاکنون در کشور چه نقشی در فرآیند مویرگی شدن فقر در جامعه داشته است؟

بی‌شک نمی‌توان از نقش بی‌تدبیری در مساله فقر غافل شد. طی سه دهه اخیر نظام تدبیر هیچ‌گاه متناسب با بینش و رشد و توسعه اقتصادی نبوده است. در این سال‌ها اگر نظام تدبیر اصلاح می‌شد و ما می‌توانستیم الگوی مناسبی برای توسعه اقتصادی پیدا کنیم قطعا شرایط به گونه دیگری بود. بی‌تدبیری عدم و ثبات تا حدی بود که در دولت مهندس موسوی به جز سیاست‌های هم راستا و همسو با جنگ، شاهد بروز برخی سیاست‌گذاری‌های نادرست از جمله تمرکزگرایی بودیم که به واسطه بینش سوسیالیستی حاکم در دولت، توسعه و رشد اقتصادی به بیراه رفت. با وجود اقدامات خالصانه‌ای که در آن زمان صورت گرفت نتیجه سیاست‌های تک بعدی دولت مهندس موسوی چیزی نبود جز توزیع فقر در جامعه و تسلط دولت بر ۸۰درصد اقتصاد کشور. در دولت آقای هاشمی نیز دوران سازندگی آغاز شد و همه نگاه‌ها به سمت شاخه درآمدی کشور معطوف شد. در دوران سازندگی توسعه اقتصادی مد نظر بود و در راه رسیدن به اهداف مشخص شده به عدالت اجتماعی توجه چندانی نمی‌شد. ایجاد زیرساخت‌ها، احداث راه، راه‌آهن، سدسازی و... از جمله اقدامات بسیار خوبی بود که در این دوران اتفاق افتاد اما در کنار این موارد عدم توجه به طبقات پایین و ترویج نظام سرمایه‌داری موجب عمیق‌تر شدن شکاف بین فقرا و اغنیا شد به‌طوری‌که نظام بیمه‌ای و سایر برنامه‌هایی که دولت برای پر کردن این شکاف در نظر داشت کارساز واقع نشد. در دولت آقای خاتمی اقتصاد به طور کل به حاشیه رانده شد و با در اولویت قرار گرفتن سیاست زمینه‌های گسترش فقر و نمودهای عینی این پدیده در جامعه فراهم شد. با روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد باز هم تدبیر دیگری اتخاذ شد و برخلاف دولت آقای هاشمی که شاخه درآمدی را هدف قرار داده بود، شاخه مصرفی مورد توجه قرار گرفت. در این دولت به جای اینکه اولویت با تبدیل درآمدها به ثروت، توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و توسعه زیرساخت‌ها باشد چگونگی بازتوزیع درآمدها مدنظر قرار گرفت. به‌طور کلی می‌توان گفت دولت‌ها همواره عملکرد یک بعدی داشته و برنامه‌های خود را از طریق آزمون و خطا پیش برده‌اند. این تعدد در بینش و تدابیر نوسانات متعددی در عرصه سیاسی و اقتصادی را موجب شد به‌طوری که با جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل عقب ماندگی در توسعه اقتصادی، عدم موفقیت در کنترل فقر بوده است.

آیا می‌توان با تکیه بر بازتوزیع عادلانه درآمدها یعنی همان کاری که در حال حاضر صورت می‌گیرد، توزیع مویرگی فقر در جامعه را متوقف کرد؟

این شیوه نه تنها توزیع فقر را متوقف نمی‌کند بلکه گسترش شدید فقر را در پی خواهد داشت و در نهایت منجر به بروز فقر خواهد شد چراکه این شیوه کاهش سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. این مجموعه عوامل رکود در بازار و کاهش فعالیت‌های عمرانی و اشتغالزایی را سبب می‌شود. این ذهنیت که واحدهای تولید بزرگ نیازی به حمایت ندارند در کنار تمرکز منابع در بخش بنگاه‌های زودبازده و مواردی از این قبل نیز تولید کشور را مختل خواهد کرد. سیاست در پیش گرفته شده پس از مدتی تولید را به چالش خواهد کشید و این یعنی کاهش تولید، تعطیلی واحدهای تولیدی، کاهش درآمد، افزایش بیکاری و در آخر هم فقر شدید در جامعه.

عدم توسعه مطلوب اقتصادی و تشدید پدیده فقر تا چه حد متاثر از سیاست بوده است؟

سیاست نقش انکارناپذیری در این مقوله داشته است. به‌طوری‌که می‌توان گفت حوزه اقتصاد تحت سلطه حوزه سیاسی قرار گرفته و تمامی نگاه‌ها و برداشت‌ها از حوزه اقتصاد در راستای تامین منافع سیاسی بوده است. سیاست‌زدگی اقتصاد آفت عمده موجود در بخش اقتصادی کشور است که موجب فقیرتر شدن مردم شده است و یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش فقر را باید در این مساله جست‌وجو کرد چراکه همیشه اقتصاد را با متر سیاسی متر کرده و تدبیر سیاسی در اقتصاد هم رایج بوده است. در سه دهه گذشته انتخاب افراد دولتمردان نیز سیاسی بوده و افراد نه بر اساس شایستگی و توانایی‌های فردی بلکه براساس رابطه و تحقق اهداف ساسی انتخاب شده‌اند. این شیوه موجب شده است تا خوب، بد، زشت، زیبا یا هرگونه موفقیت در اقتصاد با شاخص‌های سیاسی سنجیده شود. نگاه سیاسی به اقتصاد و دستورپذیری این بخش، بارها آشفتگی بازار و برخورد سیاسی با تسهیلات بانکی را در پی داشته که این عوامل نیز به کاهش تولید، اشتغالزایی، میزان درآمد و در نهایت فقر ختم شده است.

با این تفاسیر آیا دولت‌ها در تحقق مهم‌ترین آرمان انقلاب نمره قبولی می‌گیرند؟

طی سه دهه اخیر و در تمامی دولت‌ها سیاست بر اقتصاد غالب بوده و موجب عدم توسعه یافتگی مطلوب شده است. پس از انقلاب شاهد بی‌تدبیری، فرصت سوزی و نهضت اتلاف انرژی، سرمایه و توان نیروی انسانی بوده‌ایم. وضعیت حاکم بر کشور نسبت به قبل از انقلاب بسیار بهتر است اما با توجه به آرمان‌های انقلاب می‌توان گفت، در بحث فقرزدایی به مقصود نرسیدیم و دچار عقب‌ماندگی هم شدیم.

گذر

آیا بازار مسکن بعد از ماه رمضان تکان می‌خورد

■ مهر: گرچه با نزدیک شدن به روزهای پایانی ماه مبارک رمضان مسکن همچنان در رکود است اما کارشناسان از برخی تغییرات و نوسانات در قیمت مسکن پس از این ماه خبر می‌دهند. با گذشت ۲۱ روز از ماه مبارک رمضان رکود در خرید و فروش مسکن ادامه دارد و قیمت بالای آپارتمان‌ها در کنار رکود این ماه تعداد معاملات مسکن را کاهش داده است اما پیش‌بینی کارشناسان بازار مسکن حاکی از آن است که قیمت‌ها پس از ماه رمضان دچار تغییرات و نوساناتی خواهد شد. براین اساس، قیمت ملک و آپارتمان در اغلب شهرهای بزرگ به خصوص تهران که متاثر از بازار پولی و مالی کشور است با هرگونه افزایش یا کاهش قیمت‌ها در دیگر بازارها دستخوش تغییر می‌شود و این موضوع موجب بی‌ثباتی بازار مسکن است. بنابراین با افزایش جهانی نرخ سکه و طلا در هفته گذشته و تاثیر آن بر بازار داخلی در کنار تقاضای روزافزون مسکن در کشور، آینده متغیری را پیش روی بازار مسکن قرار خواهد داد. یکی از کارشناسان خرید و فروش مسکن در این رابطه به مهر گفت: فعلا بازار خرید و فروش با رکود همراه است اما در آینده به‌طور حتم بازار دستخوش تغییراتی خواهد شد. این کارشناس ادامه داد: هر ساله در ماه مبارک رمضان شاهد رکود بازار مسکن هستیم که این موضوع در پایان این ماه به حالت قبل باز می‌گردد اما رونق معاملات وابسته به قیمت مسکن نیز هست، زیرا هرچه قیمت‌ها بالاتر باشند قدرت خرید مردم هم کاهش پیدا می‌کند.

قیمت برخی از آپارتمان‌ها در شهر تهران

براساس این گزارش آپارتمانی ۶۰ متری نوساز چهار واحدی در خیابان آزادی - رودکی هر متر مربع دو میلیون و ۲۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و واحدی ۵۶ متری دو خوابه با عمر شش ساله در اشرفی‌اصفهانی به قیمت ۱۳۷ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است. آپارتمانی ۶۰ متری و یکخوابه با عمر سه ساله هر مترمربع دومیلیون تومان به فروش می‌رسد و ۶۳ متری در مدنی ابتدای مسیل باختر دو خوابه و تکواحدی با ۱۱ سال ساخت به قیمت ۸۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد. برای ۷۳ متری در خیابان کاشانی دو خوابه و هشت ساله با پارکینگ و انباری و آسانسور ۱۳۰ میلیون تومان قیمت تعیین شده است و ۷۵ متری در انتهای سردار جنگل بدون انباری و پارکینگ با عمر ۱۳ساله به قیمت ۱۱۰میلیون تومان به فروش می‌رسد. آپارتمانی در محدوده سبلان‌جنوبی نوساز هم یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است و ۷۳متری قدیمی در یوسف‌آباد بازسازی شده با قیمت ۱۴۸میلیون تومان به فروش می‌رسد.

زمزمه‌های بنزینی در حاشیه‌های اقتصاد

شرق: یک سالی می‌شود که هر از چند گاهی یکی از دولتی‌ها خبر از صفر شدن واردات بنزین به کشور می‌دهد و از خودکفایی در تولید این سوخت پرطرفدار می‌گوید. مهرماه سال گذشته شاید سخنگوی اقتصادی دولت نخستین مقام دولتی‌ای بود که از به صفر رسیدن واردات بنزین در نیمه دوم سال سخن گفت و پس از آن خبرهایی از خودکفایی کشور در تولید بنزین به میان آمد. خبرهای توقف واردات بنزین از ابتدای سال‌جاری جدی‌تر شد، مسوولان نفتی، یک به یک از توقف واردات خبر داده و از بی‌نیازی کشور به بنزین وارداتی می‌گفتند. وزیر نفت با اشاره به افزایش ۲۲میلیون لیتری تولید بنزین ایران در سال جاری از ورود بنزین با استاندارد یورو چهار و پنج اتحادیه اروپا به سبد سوخت خودروهای کشور خبر داده و تصریح کرد: بر این اساس علاوه بر صفر شدن واردات این فرآورده نفتی ایران به جمع صادرکنندگان بنزین پیوست. در همین روزها بود که مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیز با بیان اینکه هم‌اکنون واردات بنزین در کشور به صفر رسیده است، افزود: امسال واردات بنزین نخواهیم داشت و در صورت نیاز، از امکانات پتروشیمی برای تامین بنزین مورد نیاز کشور استفاده خواهیم کرد. این بی‌نیازی از واردات بنزین در حالی مطرح می‌شد که در گذشته بارها اعلام شده بود بنزین وارداتی با بنزین تولید داخل مخلوط می‌شود تا اکتان بنزین داخلی را افزایش دهد و به این ترتیب واردات بنزین حتی در صورت تامین نیاز داخل با بنزین تولید داخل اجتناب‌ناپذیر است. در چنین شرایطی و با وجود اینکه چند ماهی خبرها از توقف واردات بنزین به کشور حکایت می‌کرد، زمزمه‌هایی از شروع واردات بنزین به کشور شنیده شد؛ زمزمه‌هایی که از سوی مسوولان نفتی تکذیب و بار دیگر بر توقف واردات بنزین تاکید شد. بر همین اساس یک هفته پیش نیز مدیر عامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی از توقف واردات بنزین به منظور افزایش اکتان بنزین تولید داخل خبر داده و گفته بود: به طور کلی واردات بنزین متوقف شده و برای افزایش اکتان از واحدهای پتروشیمی کمک می‌گیریم.

جلیل سالاری به فارس اظهار داشته بود که به طور کلی واردات بنزین متوقف شده و برای افزایش اکتان از واحدهای پتروشیمی کمک گرفتیم و دیگر بنزین به این منظور وارد نمی‌کنیم. دیروز حتی شمس‌الدین حسینی نیز در نشست خبری خود در پاسخ به سوالی در مورد رسیدن واردات بنزین به حد صفر اظهار کرد: در چهار ماهه ابتدای سال‌جاری متوسط روزانه مصرف بنزین ۵۵ میلیون لیتر بوده، این در حالی است که این رقم در سال گذشته ۶۰میلیون لیتر در روز بوده است.

وی تاکید کرد: در زمینه بنزین با استفاده از طرح ضربتی استفاده از ظرفیت پالایشگاه پتروشیمی برای تولید بنزین و همچنین کاهش مصرف به دلیل اجرای هدفمندی یارانه‌ها نیازی به واردات بنزین نیست و علاوه بر پاسخگویی به نیاز داخلی یک میلیارد لیتر هم آماده صادرات داریم. اما تمامی این تکذیب‌ها و برنامه‌ها برای افزایش کیفیت بنزین داخلی و خودکفایی در تولید بنزین که با خبری از سوی نایب‌رییس کمیسیون انرژی مجلس مطرح شد، زیر سوال رفت. ناصر سودانی از صدور دستور واردات بنزین خبر داد و گفت: وزارت نفت در شرایط فعلی و به علت برخی مشکلات دستور واردات بنزین به کشور را صادر کرده است. وی با تایید خبر واردات روزانه ۱۴میلیون لیتر بنزین به کشور به مهر اظهار داشت: دستور واردات بنزین به کشور به دو علت مهم صادر شده است و به طور حتم این واردات موقتی خواهد بود. نماینده اهواز افزود: بنزین تولید داخل به علت اکتان پایینی که دارد، کیفیت مطلوبی ندارد و برای بهتر شدن کیفیت این بنزین باید با بنزین با اکتان بالا مخلوط شود. وی بالا بردن کیفیت بنزین تولید داخل را یکی از علت‌های اصلی از سرگیری واردات بنزین به کشور اعلام کرد.

این در حالی بود که پیش از این مسوولان نفتی اعلام کرده بودند برای بالا بردن کیفیت بنزین داخلی از پتروشیمی‌ها کمک خواهند گرفت و حتی مدیرعامل پخش فرآورده‌های نفتی گفته بود واردات بنزین به منظور افزایش کیفیت بنزین تولید داخل متوقف شده است اما به نظر می‌رسد این اقدامات نتیجه موفقی به خود ندیده و دولتی‌ها برای افزایش کیفیت بنزین داخلی مجبور به واردات دوباره این سوخت پرطرفدار برای خودروها شده‌اند. سودانی، حادثه پالایشگاه آبادان و کاهش تولید این پالایشگاه را نیز علت دیگر واردات بنزین به کشور خواند و تصریح کرد: حادثه‌ای که در پالایشگاه آبادان روی داد، تولید بنزین در این پالایشگاه را کاهش داد که این موضوع نیز به واردات دوباره بنزین به کشور کمک کرد. وی تاکید کرد: بخشی از این واردات نیز برای ذخیره‌سازی انجام می‌شود، با این حال این واردات به طور حتم موقت است و تا پایان سال به طول می‌انجامد.

در این میان هر چند که سودانی دلایل واردات بنزین را برمی‌شمرد، اما به عقیده کارشناسان اصلی‌ترین دلیل شروع واردات بنزین به کشور ضعف مدیریتی در سیستم نفتی کشور است، چراکه مسوولان مربوطه بدون توجه به کاهش حجم ذخایر استراتژیک کشور و عدم افزایش تولید بنزین به میزان مورد نیاز، اقدام به توقف واردات کرده‌اند و اکنون مشکلاتی که در تامین نیاز داخل به وجود آمده، طرح توقف واردات را با شکست روبه‌رو کرده است. در همین خصوص رییس کمیسیون انرژی مجلس اظهار داشته است که با توجه به اینکه پالایشگاه‌های ما توان تولیدی مشخص و محدودی دارند در حال حاضر با کمبود بنزین مواجهیم. به گزارش ایسنا، حمیدرضا کاتوزیان در خصوص میزان تولید بنزین در کشور گفت: ماه شهریور به ویژه آنکه پس از ماه مبارک رمضان و در آخر تابستان واقع شده، ماه پرسفری برای هموطنان خواهد بود و این امر مستلزم آن است که مردم بنزین زیادی ذخیره داشته باشند، بنابراین دولت مجبور است که مقداری بنزین وارد کند. وی با بیان اینکه اطلاع دقیقی از میزان واردات بنزین نداریم، یادآور شد: آنچه وارد می‌شود بنزین سوپر است که در داخل با بنزینی که اکتان پایین دارد، مخلوط می‌شود تا اکتان آن افزایش یابد. کاتوزیان خاطرنشان کرد: بنزین تولید پتروشیمی‌ها مقادیری بنزن دارد و البته افزایش بیش از حد مجاز میزان بنزن برای سلامتی خطرناک است، بنابراین پتروشیمی‌ها نمی‌توانند به طور دایم، تولید بنزین داشته باشند. به گفته وی، علاوه بر این، پتروشیمی‌ها برای تولید محصولات خود تعهداتی دارند که در نتیجه نمی‌توانند به طور مرتب مبادرت به تولید بنزین کنند که این عوامل موجب می‌شود تولید بنزین به طور طبیعی کاهش پیدا کند.